

# اولین اختلاف ایران و انگلیس بر سر مسئله هرات ۱۲۵۴

داد (۱). البته باگذشت زمان اهمیتی که سیاستمداران انگلیس به موقعیت هرات میدادند بنظر مبلغه آمیز می‌آمد (۲) ولی در اوایل قرن نوزدهم میلادی دولت انگلیس و اولیای حکومت هندوستان معتقد بودند که تسلط ایران بر هرات بسیار خطرناک خواهد

در اوایل قرن نوزدهم میلادی مسئله هرات در روابط بین ایران و انگلیس اهمیت بسزائی داشت و سفیر انگلیس مکتوب‌نوشته بود که مسئله هرات برای بار اول منافع ایران و انگلیس را مخالف یکدیگر قرار داد و منافع ایران و روسیه را مشترک جلوه

پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## اولین اختلاف ایران و انگلیس

بود

از زمان ناپلئون اول بعد دولت انگلیس به حفظ موقعیت خود در هندوستان و مسئله دفاع مرزهای شمال غربی آن کشور و استقلال هرات توجه بسیاری میکرد، پس از اینکه خطر نفوذ فرانسه به هند بر طرف گشت، انگلیس با پیشرفت سریع روسیه در آسیای مرکزی مواجه شد و سیاست آسیای آن دولت تحت الشعاع مسئله دفاع از مرزهای غربی هندوستان قرار گرفت.

هرات بر سر راههایی که به هندوستان منتهی میشد قرار داشت و یکی از نقاط تقاطع راههای مهم آسیای مرکزی بود. انگلیسها هرات را کلید هندوستان می دانستند چون سابقا همه حملات به هند از این راه انجام گرفته بود و در این زمان هرات در همه نقشه های دفاعی هندوستان در مقام اول قرار داشت، آنسوی هرات ایران بود که در دوران گذشته گاه بر هرات تسلط داشت و در اوایل سلطنت قاجاریه پادشاهان ایران که خود را جانشینان صفویه میدانستند به هرات نظر داشتند و از فکر تصرف آن غافل نبودند. بقول لرد کرزن «دولت ایران نمیتوانست فراموش کند که سرزمینهایی که افغانستان غربی محسوب میشود در طی قرون گذشته خراسان شرقی را تشکیل میداد و هرات اغلب بوسیله پادشاهان و حکام و فرمانروایان ایرانی اداره میشد و اکثر سکنه هرات ایرانی الاصل بودند» (۳) سیاستمداران انگلیس معتقد بودند که باید هرات را مستقل نگهداشت چون اگر ایران بر آن مسلط می گردید بدون شك سعی می نمود که به نقاط دیگر افغانستان نیز دست یابد، بعلاوه آنها معتقد بودند که دولت ایران در اثر تشویق روسها به هرات نظر دوخته است و چون ایران را بقدر کافی قوی ندانستند تا بتواند هرات را اداره نماید خواه ناخواه پای روسیه بمیان می آمد در ضمن معتقد بودند که قشون روس باسانی خواهد توانست از هرات به هندوستان حمله نماید. (۴)

بطور کلی انگلیسها نسبت به دولت ایران بدبین بودند چون شاهد نفوذ روزافزون روسیه در ایران بودند و از آن وحشت داشتند و تصور میکردند که هر قدمی که دولت ایران برمیدارد تحت تاثیر و تشویق سیاست روسیه است.

بخصوص فکر میکردند که ممکن است روسها برای دلجوئی از ایرانیان و جبران شکستهای گذشته آن دولت را به تصرف هرات تشویق نمایند.

دولت ایران نیز نسبت به دولت انگلیس

بسیار بدبین بود و علی زغم ظاهر دوستانه هیچگونه اعتماد و یا حس تفاهم بین دولتمن وجود نداشت. ایرانیان از عاقبتی مانند هندوستان میترسیدند و بخصوص در مورد لغو دوامده از عهدنامه تهران (۵) ۱۲۲۹ - ۱۸۱۴ از ارتباط با انگلیس دلبرده شده بودند. مسئله هرات و اولین درگیری ایران و انگلیس علل بسیاری داشت که در این مقاله مورد بحث و البته عدم حس تفاهم در این موضوع بی تاثیر نبود.

این مقاله به چهار قسمت تقسیم شده است، قسمت اول آن مربوط به نقش گردانندگان سیاست ایران است که در این درگیری مؤثر بودند قسمت دوم بحثی درباره روابط ایران با دولتین انگلیس و روس و مسئله هرات است قسمت سوم درباره دلایل محاصره هرات توسط ایران و نتایج داخلی و خارجی آن است و قسمت چهارم در مورد برقراری صلح و نتایج این درگیری.

برای تهیه این مقاله علاوه بر کتب مربوطه از اسناد دیوان هند شرقی شماره های ۵۰ الی ۷۰ و استاد ارشیو وزارت خارجه انگلیس مجلد ۵۳۹ استفاده شده است.

### قسمت اول - گردانندگان سیاست ایران

برای روشن شدن سیاست ایران در مورد هرات لازم است به شرح مختصری از موقعیت گردانندگان سیاست دولت ایران که مهمترین آنها عبارت بودند از حاجی میرزا آقاسی، محمدشاه، میرزا مسعود و قهر خان خارج و حسین خان آجودانباشی سفیر ایران بپردازیم.

در اوایل سلطنت محمدشاه قائم مقام از وزارت برکنار و بقتل رسید و حاجی میرزا آقاسی بجای وی برگزیده شد ولی حاجی هیچگاه عنوان صدراعظم برای خود انتخاب نکرد و با وجود اینکه مدت سیزده سال بر ایران حکومت کرد خود را یک ملای فقیری معرفی میکرد که از سیاست بیخبر است. کمیل نماینده دولت انگلیس در طی چندین ملاقات با حاجی به این نتیجه رسیده بود که وی از طرفداران انگلیس است (۶) ولی عدم اعتماد حاجی به همه خارجی ها بطور کلی و خصومت وی به شخص مکنیل سفیر آن دولت بزودی ظاهر گشت (۷)

حاجی نه تنها به مکنیل مظنون بود بلکه نسبت به دولت انگلیس نیز نظر خوبی نداشت و در این مورد نظریه خود را مخفی نمی داشت بلکه مکرر به اطلاع نمایندگان انگلیس میرسید که «حاجی میرزا آقاسی هر روز بطور واضح به انگلیسها و هر کسی

که با آنها همکاری نماید بد میگوید» (۸) اغلب مورخین و معاصرین و کسانی که حاجی میرزا آقاسی را از نزدیک میشناختند متفقاً او را شخص بی لیاقت در اداره امور (۹) و بی اطلاع از سیاست و تند خو معسرفی کرده اند، (۱۰) ولی عده بی معتقدند که حاجی برای رسیدن به مقاصد خود تظاهر به این بدخوئی میکرد است. (۱۱)

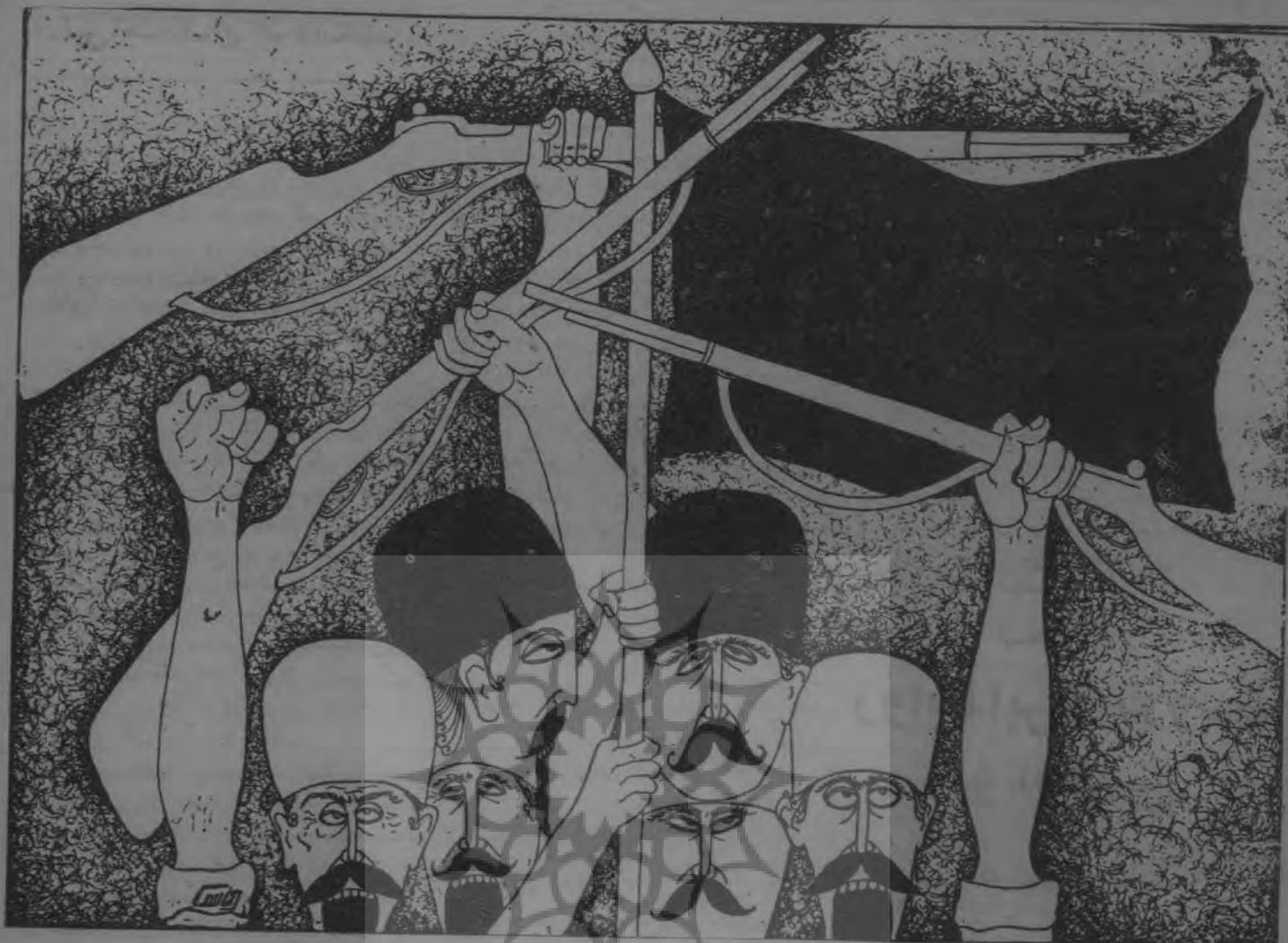
یکی از اخلاقی های ناپسند حاجی میرزا آقاسی آن بود که رعایت عفت کلام و ادب را نمی کرد و این بنظر اروپائیان بسیار زننده بود (۱۲) او حتی یکبار گفته بود که اگر مکنیل دست از دخالت در هرات نکشد مردم را بر خواهد انگیزد تا او را مانند گریبایدوف سفیر سابق روس بکشند. (۱۳)

بعضی از مورخان ایرانی درباره صداقت حاجی مظنون بودند و او را بخصوص در مورد مسئله هرات مقصر دانسته اند (۱۴) ولی یکی از نویسندگان انگلیسی نوشته است که: «ما فکر نمی کنیم که حاجی میرزا آقاسی در سیاست خارجی به مملکتش خیانت کرده باشد. او هیچگاه باسانی تن به زور گوئی های روسیه نداد ولی از طرفی هم اعتماد کافی به سیاست انگلیس نداشت تا خود را تحت نفوذ آنان قرار دهد» (۱۵)

حتی مکنیل که با حاجی هیچگونه دوستی نداشت و اغلب در نامه های خود از نام او با تحقیر یاد می کرد چنین نوشته است: «من مطمئن هستم که او منافع مملکت خود را فدای هیچ قدرت خارجی نخواهد نمود» (۱۶)

حاجی میرزا آقاسی بامسئله بغرنجی مواجه بود که برای حل آن نه قدرت و نه اطلاعات و نه لیاقت کافی داشت و نه خط مشی معینی اتخاذ نموده بود او می خواست که از نفوذ خارجی ها در ایران جلوگیری نماید ولی قادر نبود و سیاست بنظر او تظاهری به ایجاد رقابت بین دول خارجی بود (۱۷) نفوذ حاجی روی محمد شاه با وجود دشمنان بسیارش (۱۸) یکی از مسائل مهم این زمان بود چون شاه شاگرد و مرید حاجی بود و از وی پیروی می کرد.

حاجی مدت سیزده سال بدون رفیب بر ایران حکومت کرد و کسی را در اداره امور دخالت نداد و شاه را تقریباً بدون اطلاع از اوضاع نگهداشت. مکنیل دلیل این خودسری حاجی را چنین بیان نموده است «چون حاجی بدون هیچگونه آمادگی به مقام وزارت رسیده است و قادر به انجام وظایف خود نیست بدین سبب به کسانی که می توانند به او کمک کنند حسود است و



زندگی بر هراتی‌ها سخت شد ولی تا آن وقت  
نمایند دولت انگلیس پاتینگر در هرات  
موفق شده بود که حصارهای شهر را ترمیم  
نماید تا مقابل دشمن تاب مقاومت بیشتری داشته  
باشد.

البته نمی‌توان گفت که در تمام طول  
مدت سلطنت محمدشاه بین حاجی و شاه  
مخالفتی پیش نیامد و بخصوص در مورد  
ترك محاصره هرات حاجی سخت مخالفت  
نموده بود (۲۲) ولی شاه به او گوش نداد.  
بود.

شکست ایران و اشکالات بعدی از نفوذ  
حاجی بر روی شاه نکاست و فقط مدتی  
میرزا مسعود از نو قدرت پیدا نمود ولی  
بیمه‌ری شاه دوامی نداشت. مکنیل در  
مراجعت خود به ایران نوشته بود که قدرت  
و نفوذ حاجی روی شاه به همان اندازه  
سابق است (۲۳).

محمد شاه شخصا به تسخیر هرات  
علاقه‌داشت و مصمم بود و نقش وی را در  
آن مورد بهیچ وجه نمی‌توان نادیده گرفت (۲۴)  
اوشخصا شجاع و بسیار با شرافت ولی کم  
اراده بود و هرچند که حسن نیت داشت ولی بیماری  
و عدم تجربه در امور سلطنتی باعث شده که

ترجیح می‌دهد که خود بتنهائی کارها را  
انجام دهد. (۱۹)

در مورد محاصره هرات آنچه که  
می‌توان به حاجی ایراد گرفت اشتباه او در  
طرز محاصره شهر بود که ناشی از خودسری  
و بی‌اطلاعی وی بود و بضرر ایران تمام  
شد. بنا بر گزارش همه مورخان حاجی  
وجود مخالفت افسران قشون، سیدرواژه شهر  
را محصور، و دو دیگر را آزاد گذارده بود  
تا بقول او «یکسوی شهر گشوده است و راه  
فرار گشاده است چون لختی سختی ببینند  
شهر را بگذارند و راه فرار بردارند. (۲۰)»  
و بدین ترتیب امید داشت که هرات تسلیم  
شود.

یکی از نویسندگان نوشته است که این  
اقدام عجیب بدلیل آن بود که میخواست  
محاصره بطول انجامد تا نتیجه معاهداتی را  
که امید داشت با امرای افغانستان منعقد نماید  
بچشم ببیند. (۲۱) ولی همین امر باعث عدم  
موفقیت ایران گشت چون اگر هرات را بدون  
اتلاف وقت گرفته بودند امکان داشت که  
انگلیسها چنان شرایط سختی را نتوانند تحمل  
کنند. پس از ده ماه حاجی قبول کرد که  
همه دروازه‌های شهر را محصور نمایند و

حاجی میرزا آقاسی قدرت بیحد و حسابی کسب نماید .

سفیر انگلیس سر هنری آلیس در ۱۸۳۹ نوشته بود که رفتار ظالمانه کامران میرزا حاکم هرات و وزیر وی و یار محمدخان در هرات نسبت به شیعیان آن شهر دولت ایران را تحریک به تلافی خواهد کرد و اضافه کرده بود که «مانعی توانیم انتظار داشته باشیم که رفتار یک شاه جوان و بدون اغراق شجاع محتاطانه باشد بخصوص که در این مورد احساسات وی بعنوان یک شاه و یک انسان عمیقاً تحت تاثیر قرار گرفته است» (۲۵) در نظر محمدشاه وظیفه دینی او بود که بکمک شیعیان هرات که از او امداد میخواستند بشتابد (۲۶) بخصوص که در محاصره اول هرات در زمان ولیعهدی عباس میرزا بخاطر مرگ پسر مجبور شده بود دست از محاصره بکشد (۲۷) در این جا بی مورد نیست که دو نام مخصوصی وی را به قائم مقام کهدر دوران ولیعهدی عباس میرزا در هنگام محاصره اول هرات نوشته شده نقل نماییم .

«جناب قائم مقام ... باز اظهار پیریشانی از برف و سرما نموده بودید اشدبالله در اینجا بسیار خوشتر می گذرد و خاطر جمع دارید، از این گذشته من پسر فرمانفرما نیستم که منتهای سفرم بر کتاباد وصلی باشد و همچنین در زیر دست ظل السلطان تربیت نیافتم که از شمیران و شاه عبدالعظیم نگنشته بماند الحمدلله رب العالمین چه شیرم پدیری داشتم که خواب استراحت را در مهالك و معاریز مینموده امیدوارم که اگر بهمه خصائل محمود آن بزرگوار متصف شوم سعی و مجاهده بعضی را تحصیل کنم شمارا بروح فایب السلطنه که دیگر غمخواری مرا در این خصوص هسا نکند» (۲۸)

یکی دیگر از نامه های وی به قائم مقام در همان هنگام گویای احساس او در این باره است :

«جناب قائم مقام مکرر احوالات نوشت شده اما باین خیال که شاید قاصد را گرفته باشند باز میتوسم هر قدر زودتر بیایند دیر است همه روزه هزار آدم میبرند و احدی در فکر تلافی نیست، الله الله کمال نظم را باید قشون داشته باشد خاطر جمع دارید که بحمدالله تعالی عنقریب فتح هرات خواهد شد و لب گوهر سر آنیم مردن برایم بهتر از نگرختن هرات است» (۲۹)

در اینجا بی مناسبت نیست که عقیده محمد شاه و سیاست وی نسبت به دولتین روس و انگلیس را بیان نماییم. او معتقد بود که فقط رقابت این دو دولت بزرگ و همجواری

ایران ممکن است ایران را نجات دهد . شیب، نوشته بود که شاه از شنیدن خبر غلبه روسها بر خیوه اظهار خرسندی کرده و گفته بود است که «تزدیک شدن مرزهای دو مملکت رقیب ، ایران را نجات خواهد داد» (۳۰) ولی محمد شاه نتوانست در مورد هرات از رقابت بین دولتین انگلیس و روس استفاده نماید چون روسها پس از تشویق ایران تغییر سیاست دادند و با انگلیسها نزدیک شدند. میرزا مسعود نیز از وزرای بنام آن دوره بود که پس از قتل قائم مقام بعنوان وزیر خارجه انتخاب شده بود و بنا بر گفته مکنیل از فاضل ترین و با لیاقت ترین سیاستمداران ایران بود بخصوص چون میرزا مسعود به روسیه سفر کرده بود اطلاعاتی از ممالک خارج داشت. (۳۱)

ولی در طی واقعه هرات او از خدمت معزول شد و پسرش میرزا علی را که جوانی ۱۶ ساله و بدون تجربه بود در مقام نیابت وزیر خارجه قرار دادند . میرزا علی با خارجی ها مکاتبه مینمود ولی در مواقع ضروری و نه یک وزیر را انجام میداد مکنیل طی نامه بی خصوصی به لرد او کلدن فرمانروای هندوستان این موضوع را مفصلاً شرح داده و نوشته بود که چون میرزا علی از جوانان روسیه بود او موفق شده بود که وزیر خارجه را که رقیب حاجی بود از میان بردارد. (۳۲) مکنیل در نامه دیگری به پلیمرستون نوشته بود که شاه برای دلجوئی از روسها پسر میرزا مسعود را بعنوان نایب وزیر خارجه منصوب کرده است (۳۳) و اضافه کرده بود که مردم فکر می کنند که او باعث عزل میرزا مسعود شده است . هنگامیکه قشون شاه از هرات بسمت تهران مراجعت میکرد میرزا مسعود به اردوی شاه ملحق شد ولی قبول شیل دیگر او نفوذی در امور نداشت. (۳۴)

شخص دیگری که در برقراری صلح نقش موثری بازی نمود حسین خان آجودان باشی بود که بسفارت انگلیس، فرانسه و اتریش فرستاده شد و مأمور بود که از رفتار نماینده انگلیس نسبت بدولت ایران شکایت کند (۳۵) پس از اینکه مناسبات ایران و انگلیس قطع گردید دولت ایران او را مأمور رفع اختلاف نمود.

شیل در باره او چنین می نویسد «حسین خان از فاضل محترمی است و ... ارتقاء خود را در آرتش مدیون مرحوم میجر هارت میباشد ... شاه او را دوست دارد ولی او دارای هیچگونه نفوذی نیست و بنابراین نمیتواند بر خلاف نظر شاه و حاجی قدمی بردارد» (۳۶)

مأموریت مشکلی به حسین خان محوز شده بود چون شاه انتظار داشت که شکایات

او از رفتار مکنیل باعث شود که سفیر را از ایران باز خوانند ولی حسین خان بزودی متوجه شد که نه تنها پلیمرستون کاملاً از فرستاده خود مکنیل پشتیبانی می کند بلکه به آجودان باشی فهماند که دولت ایران باید همه شرایط انگلیس را قبول نماید و حسین خان نتوانست در شرایط انگلیس تغییری دهد و مجبور شد که خواسته های آنها را به اطلاع دولت خود برساند و البته تصمیم نهائی درباره آنها با شاه و حاجی بود.

قبل از مراجعت آجودان باشی به ایران چون از استقبال دولت خود مطمئن نبود از سرگوراولی ، مسترالیس و جان کمپل که سابقاً در ایران بودند نامه های مبنی بر رضایت از رفتار خود گرفت تا پس از مراجعت او را مواخذه نکنند. (۳۷)

قسمت دوم

روابط ایران با روسیه و انگلیس

وقایع دوره سلطنت قاجاریه در ذهن اغلب سیاستمداران ایرانی حس بدبینی و عدم اعتماد به خارجیها بوجود آورده بود، در ظاهر سعی میکردند که با احترام و با اظهار چاپلوسی با آنها برخورد نمایند ولی چون اغلب با درخواستهای آنها که برخلاف مصالح مملکت بود مخالفت میورزیدند نظر خارجیها بی حقیقت جلوه میکردند و این حس بدبینی نسبت به ایرانیان در همه مکاتبات آن زمان انگلیسها نمایان است. (۳۸)

این عدم اعتماد در روابط ایران و انگلیس در این زمان بسیار چشم گیر است و می توان گفت که نه تنها ناشی از اختلاف منافع بود بلکه تا حدی از فرق میان دو تمدن و دو فرهنگ مختلف سرچشمه می گرفت .

در این زمان مناسبات ایران و انگلیس بسیار پیچیده بود. رولیس می گوید که لغو دو فصل از معاهده تهران «نام نیک انگلیس را در ایران از بین برده» (۳۹) و از آن پس دیگر روابط این دو مانند سابق دوستانه نشد . رفتار خشن بعضی از نمایندگان انگلیس باین روابط لطمه میزد و نمایندگان انگلیس در رابطه خود پادشاه رعایت ادب را نمی کردند و اغلب وزرای ایران دعوا کرده بودند (۴۰) .

مکنیل بخصوص گاه شاه را عصبانی و ملاتر میکرد، مثلاً در موقع شرفیابی در نزد شاه می نشست و زانوی خود را روی حسند شاه

## اولین اختلاف ایران و انگلیس

قرار میداد و درست مانند کسی که باشا گریز رفتار کند پاشا ایران صحبت میکرد. (۴۱) اینگونه رفتار باعث گله و شکایات متعددی میشد و رابطه ایران و انگلیس را تیره میگرداند و واقعه هرات هم به تیرگی روابط افزود دولت ایران بکرات از رفتار انگلیسها و نمایندگان آن دولت چه در نامه های خطاب به مکنیل (۴۲) و چه بتوسط پیغام به مترسیخ و پادشاه فرانسه چه بنمایند به المرسون (۴۳) در وین و چه به شخص المرسون در لندن شکایت کرده بود و حسین خان آجودانباشی را در ۱۲۵۴ - ۱۸۳۸ مأمور نمودند که درخواست نماید مکنیل را از سفارت قرا خوانند.

دولت ایران از بسط نفوذ دولت انگلیس بخصوص در میان مدعیان و مخالفان سلطت وحشت داشت و میترسید (۴۴) که مبادا بوسیله پول و توطئه شورشی در ایران برپا نمایند، شورش ایل بختیاری بسر کرده گی محمد تقی خان چهارلنگ و قیام آقاخان محلاتی ربه توطئه های انگلیس نسبت می دادند. (۴۵)

بهر حال ترس از قدرت انگلیس چنان در ایران پیچیده بود که وقتی پانصد نفر در خارك پیاده کردند کسی در صدد مقاومت بر نیامد و فقط شایعه پیروزی آنها کافی بود که شاه را وادار نماید دست از هرات بکشد و عقب نشینی کند. میرزا تقی خان امیر نظام عقیده خود را درباره قدرت انگلیسها چنین بیان نموده بود: «من میدانم که بدون موافقت سفیر انگلیس هیچکس نمی تواند در ایران سلطنت نماید دولت انگلیس احتیاج بقشون ندارد و با يك کلمه از طرف سفیر و بخشش مقداری پول به عشایر جنوب چنان اغشاشی بر پا میشود که هیچ پادشاهی نتواند جلوی آنرا بگیرد» (۴۶)

علل این قدرت و نفوذ چه بود؟ یکی از دلایل قدرت و نفوذ انگلیسها در ایران اطلاع آنها از تصمیمات دولت و از بیشتر جریانهائی که در دربار ایران اتفاق می افتاد بود و ایرانیان قادر نبودند که جلوی آن را بگیرند. نامه ای از مکنیل در آرشیه وزارت خارجه انگلستان وجود دارد که نشان میدهد اطلاعات انگلیسها تا چه حد بوده است. مکنیل نوشته است که: «وزیر بهمشرف نوشته که امیدوار است بزودی موضوع هرات یکسره شده تا عید نوروزیه تهران مراجعت نماید» و در همین نامه مکنیل اضافه نموده است که تبالا حاجی در نامه بهمشرف از موفقیت های دولت مینوشت «و این تغییر در متن نامه نشان میدهد که در

مورد فتح هرات دچار تردید شده اند.» (۴۷) نمایندگان و سفرای انگلیس نه تنها با بعضی از وزراء و درباریان و روحانیون و شاهزادگان در ارتباط بودند بلکه واسطه هائی نیز داشتند که اغلب همه اخبار را با اطلاع آنها می رساندند (۴۸).

نمایندگان انگلیس سعی میکردند که یا نمایندگان خارجی که از سایر ممالک آسیائی به ایران می آمدند نیز رابطه ایجاد نمایند. (۴۹) هنری آلیس که از ۱۸۳۲ تا ۱۸۳۵ در ایران بود، با حاجی حسینعلی خان نماینده دوست محمد خان امیر کابل، ارتباطی برقرار نمود. حاجی حسینعلی خان از طرف امیر کابل با اختیارات تام مأمور بود که با دولت ایران قراردادی برای همکاری علیه هرات و پشاور منعقد سازد ولی آلیس او را با وعده های مفصل و پرداخت پول از تعقاد هرگونه قراردادی منصرف کرد و باو تلقین کرد که در مراجعت دوست محمد خان نتواند نماینده بدولت هندوستان متصل گردد. (۵۰)

آلیس در ضمن با عزیز خان نماینده کهنده لخان امیر قندهار نیز ارتباط ایجاد نمود. عزیز خان مأمور بود که پناه پیشهاد عقد معاهده دفاعی و تجاری علیه هرات نماید و بنا بآن گفته آلیس ایرانیها با امیر قندهار و عزیز خان قول همه گونه مساعدت داده بودند ولی آلیس باو فهمانده بود که دولت انگلیس هرگز قبول نخواهد کرد که ایران هرات را تسخیر نماید. (۵۱)

البته دولت ایران از رابطه بین سفرای افغانستان و سفرای انگلیسی باخبر بود (۵۲) ولی قادر به پیش گیری آن نبود، (۵۳) و با وجود گزارشهای دولت ایران مکنیل موفق شده بود که در ایران ارتباط نزدیکی با سفیر جدید کابل محمد حسین خان برقرار نماید و رونوشتی از نامه دوست محمدخان به محمد شاه را دریافت نماید. در این نامه دوست محمد خان پناه ایران نوشته بود که اگر دولت ایران علیه سیکها به وی کمک نکند او مجبور خواهد شد به انگلیسها پناه ببرد. مکنیل نماینده کابل را متقاعد کرد بود که ارباب خود را وادار نماید بدولت هند رجوع کند. (۵۴) او حتی از معاهده بین ایران و قندهار که بخط خود شاه نوشته شده بود و نامه سفیر روس سیمونیچ به کهنده لخان و از دستورات دولت ایران به سفیر خود در افغانستان قنبرعلیخان با خبر بود.

متأسفانه شاه و وزرا بقدر کافی قدرت نداشتند و منشیهای مسئول نیز امین نبودند

تا از اینگونه ارتباطات جلوگیری نمایند و سفرای افغانستان که به ایران می آمدند بقدر کافی تحت تاثیر قدرت و یا ثروت ایران قرار نمی گرفتند تا در مناسباتشان رعایت صداقت و بی نظری را نمایند بخصوص که دولت ایران اغلب از سفرای افغانستان بطور شایسته پذیرائی نمی کرد. نمایندگان کابل بخصوص برای درخواست پول به ایران می آمدند ولی ایران پول نداشت که با آنها بپردازد و همه ناراضی مراجعت می کردند فاتح محمدخان به مکنیل شکایت کرده بود که او نه تنها پول برای مراجعت بکابل ندارد بلکه ایرانیان او را با بی احترامی پذیرفته لازمه مهمان نوازی را در حق او اجرا نکرده بودند. (۵۵)

روابط ایران و روسیه در این مدت بظاهر دوستانه بود. دولت ایران از روسیه سخت میترسید و بنا بقول یکی از نویسندگان «محمد شاه معتقد بود که جلوی قدرت و نفوذ روسیه را نمی توان گرفت» (۵۶) مکنیل در سال ۱۸۳۵ پس از سفر کوتاهی به انگلستان بسمت وزیر مختاری به ایران مراجعت نمود و در بازگشت خود چنین نوشت «در مدت غیبت من نفوذ روسیه در ایران افزایش یافته است و همجا بطور واضح بچشم میخورد و از قدرت ما به نسبت کاسته شده است. ولی این افزایش نفوذ روسها بیشتر در محافل دولتی است و در میان ملت چندان صدق نمی کند» (۵۷) دولت ایران هنوز يك کرور از مبلغ مربوط به غرامت جنگ به روسیه بدهکار بود و هرگاه روسیه میخواست ایران را تحت فشار قرار دهد این مبلغ را مطالبه میکرد (۸۵).

پس از قطع رابطه بین ایران و انگلیس در اوایل ۱۸۳۹ قدرت روسیه در ایران افزایش یافت و شاه ناچار شد که با اغلب خواسته های آنها موافقت نماید.

روش و سیاست دولت روس دربار هرات پیچیده است و بعلم عدم دسترسی به مدارک روسها منظور آنها تا حدی مجهول و نامعلوم میباشد.

انگلیسها معتقد بودند که روسها ایرانیان را تحریک می کنند که هرات را بگیرند تا روسها امتیازاتی را که در ایران در اثر معاهده ترکمن چای بدست آورده بودند در هرات نیز بدست آورند.

هنری آلیس مرتباً بدولت خود گزارش میداد که روسها ایرانیان را به تصرف هرات تشویق می کنند و همه گونه قول کمک و همکاری به آنها میدهند. در ۸ ژانویه ۱۸۳۶ آلیس از قول شخص قابل اعتمادی نوشته بود که سفیر روس به شاه تاکید نموده است که ۳۷

موقعیت برای گرفتن هرات بسیار مناسب است (۵۹) ولی ایرانیان همکاری با روسها را تکذیب نموده بودند ولی قول نداده بودند که دست از هرات بکشند و مکینیل نیز نوشته بود که: «واضح است که روسها سعی می کنند که توجه شاه را بسوی شرق جلب کنند و او را در آنجا سرگرم سازند حتی به شاه پیشنهاد کرده اند که آنچه لازم دارد از قشون و پول، به او بدهند و گوژرد کرده اند که اگر در این سال اندامی نکنند سال دیگر انگلیس آمادگی بیشتری خواهند داشت تا از این کسب جلوگیری نمایند.» (۶۰)

چند ماه بعد از نو نوشته بود که در ایران شایع شده است که روسها قول داده اند که اگر ایران به روسیه بدو هرات را بگیرد از مطالبه پولی که ایران به روسیه بدو هرات است صرف نظر خواهند کرد. (۶۱) نویسنده دیگری مینویسد که روسها قول داده بودند که مبلغ ۴۰۰۰۰۰ تومان به ایران وام دهند. (۶۲)

آنچه که واضح است این است که سیمونینج شاه را به گرفتن هرات تشویق نمی کرد. (۶۳) ولی بعد از وقوع یورش به شهر کنگ هائی کرده بود. بطور کلی سیاست دولت روس در این باره واضح نیست و معلوم نیست که تا چه حد سیمونینج در امر هرات دخالت میکرد دولت انگلیس معتقد بود که او مسئولیت خود در کار هرات مداخله نمی کند و حتم از دولت خود حمایت میشود و دستور دارد و روسها نقشه هائی دارند تا در افغانستان اتحادی علیه انگلیس هابر قرار نمایند و بهمین جهت ویکویچ را بنمایندگی از طرف خود به کابل فرستاده اند و نیز وقتی که شاه هرات را محاصره کرده بود سیمونینج در عملیات جنگی شرکت کرد و فرار داد بین کهنده لخان و شاه را تضمین کرده بود. (۶۴) سفیر انگلیس از سن پترزبورگ به پالمستون نوشته بود که روسها برای ادامه جنگ به دولت ایران پول داده اند و اضافه نموده بود که «گنل کامرون بمن اطلاع داده است که با افسرانی که این پول را به ایران حمل کرده اند صحبت نموده است.» (۶۵) دولت روس البته این موضوع را تکذیب کرده بود.

هدف دولت روس در این باره برای انگلیسها روشن نبود ولی حدس میزدند که هدف مشتکی ندارند و بدین وسیله سعی دارند که یار و رابط ایران و انگلیس را تیره نمایند یا اینکه ایران کاملاً به آنها متکی شود و یا بدین وسیله وضع مالی ایران را برهم زنند. (۶۶) و یا نفوذ خود را در افغانستان بسط دهند و یا انگلیس را در آسیای مرکزی دچار جنگ پرخرج و پر مخاطره ای نمایند. (۶۷)

امکان دارد که دولت روسیه دستورات دقیقی به سیمونینج نداده بود و او را در عمل آزاد گذارده بود تا در صورت لزوم بتواند عملیات وی را انکار کند ولی بهر حال سیمونینج نمی توانست خود سراسره دست بچنین عملیاتی زند.

در اکتبر ۱۸۳۸ نسلرود در مقابل اعتراضات دولت انگلیس جواب مسالمت آمیزی داد و به سفیر روسیه در لندن نوشت که «هر چند که این جنگ بنظر ما قابل توجیه است و حقانیت ایران بر هرات بدون شك ثابت شده است ولی ما چون این جنگ را بصلاح ایران نمیدانستیم هم سعی خود را نمودیم که بین آن دولت و دولت هرات صلح برقرار نماییم.» (۶۸) و علاوه کرده بود که بهمین جهت سیمونینج به اردوی شاه رفته بود ولی چون ضعف ایران را در برابر هرات دیده بود در عملیات جنگی بشاه کمک نموده بود.

بعمل نسلرود عملیات سیمونینج را انکار کرده بود و وی او را از ایران فرخواستند سفیر دیگری بنام دو هامل را به ایران فرستاده بود (۶۹) دولت انگلیس این تغییر خط مشی را یک موفقیت سیاسی قلمداد نمود. پالمستون نامهای خصوصی نوشته بود که «مادر بار سیمونینج و همکاران شکست داده اند.» و معتقد بود که دلیل تغییر روال روسها گرفتن خارک و پیشرفت قشون انگلیس در افغانستان بود.

البته نمیتوان گفت که تا چه حد نقش روسها در تشویق شاه به گرفتن هرات مؤثر بود چون شاه شخصاً تصمیم به گرفتن هرات نداشت ولی بدون شك عملیات سیمونینج ایرانیان را به کمک و پشتیبانی روسها امیدوار گردانده بود و وقتی که از این پشتیبانی غلام می شدند ناچار در مقابل انگلیسها تسلیم شدند و شرایط آنها را قبول کردند.

حواشی

- 1- Curzon, Persia and the Persian question, London 1966, vol.2, P. 606
- 2- Mcneil to Backhouse, Tehran 11th Oct. 1836. F.O. 539
- 3- Curzon, Persia and the Persian question, London 1966, vol 2, P. 585
- 4- A. CONOLLY, JOURNEY TO THE NORTH OF IRAN THROUGH RUSSIA, PERSIA AND AFGHANISTAN. LONDON 1834, VOL II P. 322

(۵) بموجب معاهده تهران ۱۸۱۴ دو فصل از تعهدات انگلستان در قبال ایران که بموجب پیمان ۱۸۱۲ مقرر شده بود تغییر یافت بطوریکه کمک انگلستان بایران را فقط در صورتیکه ایران از طرف یک دولت اروپائی مورد حمله قرار می گرفت پیش بینی نمود (فصل ۳ و ۴). در سال ۱۸۲۶ که جنگ دوم ایران و روسیه آغاز شد دولت ایران باستاند به این عهدنامه از دولت انگلستان کمک خواست اما انگلستان متعذر شد باینکه دولت ایران در جنگ با روسیه پیشقدم شده و مهاجم بشمار میرود و باین ترتیب عملیات تعهدات خود وفا نکرد. بعد از انعقاد پیمان ترکمان چای که دولت ایران بعلت پرداخت ۱۰ کرویر تومان غرامت جنگ به روسیه در ضمیمه ملی قسرا گرفت از انگلستان تقاضای مساعدت مسالی کرد و انگلستان بشرط الغاء فصول ۳ و ۴ پیمان تهران مبلغی بایران پرداخت و باین ترتیب این دو فصل لغو گردید.

6- EXTRACTS FROM CAMP BELL'S DIARIES, MAY 1835 I. O. 53

7- MEMORANDUM OF CONVERSATION IN TEHRAN NOV, 1831 I.O. 28

8- SHEIL TO PALMERSTON, MARCH 1838 I. O. 64

۹- واتسن مینویسد که حاجی میرزا آقاسی وزیر نبود که بتواند ایران را به راه قرض و پیشرفت بکشد.

۱۰- مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، تهران، جلد ۲، صفحه ۲۰۵

۱۱- عبدالله مستوفی، شرح زندگی من، جلد ۱ صفحه ۴۷

۱۲- دکتر ریاض که همراه شاه به خراسان رفته بود و در مورد هرات چندین بار با حاجی ملاقات نموده بود مینویسد که حاجی به او گفته بود: «من هرات را برای درآمد آن نمیخواهم میخواهم آن شهر را کاملاً از بین ببرم و همه موجودات زنده آنرا بکشم و آنگاه یک قطعه گل برداشته قسم خورده بود که «اگر تا چهار روز دیگر من آنجا را مانند کف دست صاف نکردم و همه مردم آنجا را نکشتم دیگر به حرفهای من اعتماد نکنید.»

13- MCNEILL TO PALMERSTON, SOOLIMNIEH, 30 TH NOV, 1837 I. O. 58

۱۴- خان ملک ساسانی، سیاستگران دوره قاجار، جلد ۲، چاپ ۱۳۴۶، صفحه ۶۹

15- RAWLINSON, ENGLAND AND RUSSIA IN THE EAST, بقیه در صفحه ۵۴

اولین اختلاف ایران و انگلیس (بقیه)

SIR J. MCNEILL BY HIS GRAND DAUGHTER, LONDON 1910, P. 156

41- MEMORADUM OF A CONVERSATION IN VIENNA CONALLY TO PALMERSTON I. O. 66.

42- MIRZA ALI TO MCNEILL, 26 TH SUFFER 1254, 19 TH MAY 1838, I. O. 59

۴۳ - در وین حسین خان آجودانباشی با یک نفر سیاح انگلیس بنام کانالی که از طرف دولت خود مامور شده بود ملاقات و صحبت نموده گله‌های دولت ایران را برای او تکرار نموده بود آجودانباشی در شرح ماموریت خود از این ملاقات نام برده و نوشته است که وی به این شخص مظنون بود و فکر میکرد جاسوس است.

«شرح ماموریت آجودانباشی» بکوشش محمد مشیری، تهران ۱۳۴۷، صفحه ۳۱۲  
۴۴ - ولی باید متذکر شد که دولت انگلیس تصمیم گرفته بود که هر چند ایجاد اغتشاش در ایران کار آسانی است ولی اقدام چنین کار در صورتی امکان پذیر است که تصمیم بر انداختن محمدشاه از سلطنت گرفته باشند و چون این عمل ممکن بود منجر به جنگ با روسها شود بنابراین صلاح نبود که اقدام چنین کاری نمایند.

45- RAWLINSON. ENGLAND AND RUSSIA IN EAST LONDON 1875. P. 64

46- BONHAM TO MCHEILL, TABRIZ 2 nd JAN 1838 I.O. 58

47- MCNEILL TO BACKHOUSE, TEHRAN ( 3 RD JAN 1838. I. O. 58.

48- EXTRACTS FROM PRIVATE LETTER RECEIVED FROM TEHRAN, 8 TH JUNE 1839 I. O. 65

۴۹ - مثلا نامه‌هایی که از طرف دولت ایران بمقامات ترک و یا بمحمدعلی پاشای مصر نوشته شده بود بدست سفیر انگلیس رسیده بود.

50- ELLIS TO PALMERSTON, KARA AINEH, 22 ND AUG. 1836. F. O. 539

51- IBID APRIL 1 ST

52- MCNEILL TO PALMERSTON, TURKOMANCHAI 12 TH SEP 1839. I. O. 54.

31- MCNEILL TO PALMERSTON, CAMP NEAR TEHRAN, MAY 1837 I. O. 56.

32- LETTERS BY MCNEILL TO LORD AUCKLAND, TEHRAN, 5 TH MARCH 1837

33- MCNEILL TO PALMERSTON, TEHRAN 30 TH MARCH 1837, I.O. 56

34- SHEIL TO MCHEILL, CAMP NEAR KISHLAG 5 TH NOV 1838 F. O. 539

۳۵ - شرح ماموریت آجودانباشی : تالیف محمد مشیری، تهران ۱۳۴۷، صفحه ۱۱

36 - MEMORANDUM BY SHEIL, 21 ST JULY 1838, I.O. 60.

۳۷ - معروف است که در بازگشت حسن خان را تشبیه نمودند و او را هر حضور ترنبار فلک کردند و وائین معتقد است که این بدلیل عدم موفقیت او در فتنن بوده است ولی ریا که کمی بعد به دربار رسیدن نوشته بود که «درست معلوم نیست چرا حسین خان را فلک کردند».

38- ELLIS TO PALMERSTON, 16 TH APRIL 1836, F.O. 539.

انگلیس و روس هر کدام برای به تخت نشاندن امیر شام کمک‌های مهمی بوی کرده بودند و در عوض بخواهد اجزای شمالی را امیر داخلی مملکت رامیدادند ولی ایرانیان اغلب زیر بار نمی‌رفتند و ایس نوشته بود که در ایران هیچ‌کس تطایع ما را نمی‌فرماید یعنی پندارن.

39- RAWLISON, ENGLAND AND RUSSIA IN THE EAST, LONDON, 1875 P. 51

در ۱۸۲۸ سفیر انگلیس جان ماگدونالد با عباس میرزا نایب‌السلطنه قرار گذارده بود که در مقابل لغو و فسخ معاهده تهران که مربوط به کمک مالی انگلیس به ایران در صورت جنگ بود، مبلغ ۳۵۰۰۰۰ تومان بپردازد ولی در واقع ۲۰۰۰۰۰ تومان پرداخته بودند. دولت ایران نه تنها از لغو این دو فصل درباره آتیه خود دچار نگرانی شده بود بلکه باقی مانده این مبلغ را نیز مطالبه میکرد در ضمن ۶۰۰۰۰۰ تومان نیز بابت سه سال جنگ از انگلیس میخواست.

40- MEMOIRS OF THE R.H.

LONDON 1857, P. 72

16- MCNEILL TO PALMERSTON, TEHRAN, 30 th MARCH 1837 I.O. 56.

17- MCNEILL TO PALMERSTON CAMP BEFORE HERAT, 15 TH MAY 1838 I.O. 59

۱۸ - یکی از دشمنان و رقیبان سرسخت حاجی، الله یار خان آصف الدوله حاکم خراسان و دانی محمدشاه بود ولی نتوانست شاه را از لشکر کشی به هرات منصرف نماید.

19- MCNEILL TO PALMERSTON, TEHRAN 30 TH MARCH 1831 I.O. 56

۲۰ - لسان الملک سپهر، ناسخ التواریخ، جلد ۲، صفحه ۶۰

21- P. SYKES, A HISTORY OF AFGHANISTAN, LONDON 1940, VOL I P. 409

22- STODDART TO MCNEILL, CAMP BEFOR HERAT, 5 TH SEP. 1838. I.O. 6.

23- MACHEILL TO PALMERSTON, TEHRAN 16 TH OCT 1841 I. O. 74.

24- ELLIS TO PALMERSTON 4 th FEB 1846. F. O. 539.

25- ELLIS TO RALMERSTON APRIL 17 th 1836. F. O. 539.

26- IBID. 4 th FEB. 1836 F.O. 539

۲۷ - محمدشاه در سال ۱۲۵۳ که عزم تسخیر هرات را داشت ابراهیم ابن عبدالجلیل مولف کتابی بنام «حقایق العلوم» را مامور کرد تاریخی حشمتل بروقایع پادشاه و بدایع مواثر سلطانی نگارد و ابتدا سفر هرات که موکب منصور در عهد ولیعهد سرور متوجه تسخیر آن دیار شد شروع کند. این شخص کتابی بنام مآثر السلطانی نوشت که شخصی از آن در نزد استاد محترم آقای محمد مشیری است و علاقه محمدشاه را به هرات نشان میدهد.

۲۸ - اسناد خطی وزارت خارجه ایران - مجلد ۶۲۰۴ - شماره ۴۴

۲ - اسناد خطی وزارت خارجه ایران، مجلد ۶۲۰۴ شماره ۵۷

30- SHEIL TO PALMERSTON, ERZER ROOM, 6 th FEB 1840. I. O. 68

65- SR. PETERSBURGH, 6 th NOV 1838 F. O. 539

66- MCNEILL TO PALMERSTON, CAMP NEAR TEHRAN 1 ST JUNE 1837. I. O. 55

۷۶ - مکنیل نوشته بود که از قول سیمونیک شنیده است که گفته اگر ایران هرات را فتح کند مسلمانان هندوستان علیه انگلیسها تیاام خواهند کرد.

68- NOTES TO BE PRESENTED BY THE MARQUESS OF CLARINCARDE TO COUNT NESSELRODE.

26 TH OCT. 1838. F. O. 539.

۶۹ - ویکوویچ نیز در بازگشت به روسیه مورد غضب قرار گرفته و خودکشی نمود.

70- MEMOIRS OF R. H. SIR JOHN MCNEILL, BY HIS GRAND DAUGHTER, LONDON 1810, P. 210

۵۸ - این مبلغ را ایران به روسیه نپرداخت و در جریان جنگ کریمه تزار نیکلای اول در مقابل تعهد ایران بحفظ بی طرفی و عدم مساعدت به عثمانی این یک کرور تومان به ایران بخشید.

59- ELLIS TO PALMERSTON, 8 th JAN 1839 F. O. 539.

60- MCNEILL TO BAKHOUSE, TEHRAN, 11 TH OCT 1837 F. O. 539

61- MCHNILL TO PAMERSTON ( TEHRAN 16 TH DEC 1837 F. O. 539

62- J. W. KAY, THE WAR IN AFGHANISTAN LONDON 1851, VOL 1 P. 250

۶۳ - «خطرات وزیر مختار» ای. او. سیمونیک - ترجمه یحیی آریین پور چاپ ۱۳۵۳ صفحه ۳ - ۱۵۲

64- J. W. KAY, THE WAR IN AFGHANISTAN , LONDON 1851, VOL 1 P. 250

53- IBID, TEHRAN, 20 TH SEP. 1837. I. O. 55

54- MCNEILL TO PALMERTON, TEHRAN, 20 TH JAN 1837, I. O. 55

55- MCNEILL TO PALMERSTON, 11 TH MARCH 1837, I. O. 55.

۵۶ - رولینسن معتقد بود که محمدشاه فکر می کرد که کمک انگلیسها به او بخاطر ضعف و نرس آنها مقابل روسهاست. همین نویسنده اضافه کرده بود که میبایست انگلیسها متوجه میشدند که نفوذ روسها رو به ازدیاد است چون شاه متکی به دسته آذربایجانی ها بود که اکثرا یا تحت نفوذ روسها بودند و یا در روسیه متولد شده بودند.

57- MEMOIRS OF THE R.H. SIR T. MCNEILL BY HIS GRAND DAUGHTER, LONDON 1810 P. 183.

فروشگاه های کفش ملی  
نمایشگر زیباترین مدل های سال